

## بحث در باره نقش یکی از پارچه‌های ابریشمی مکشوف دوری

قلم : عیسی بهنام

دانشیار باستانشناسی در دانشکده ادبیات

قدیمترین پارچه‌ای که تاچندی پیش از ایران در دست داشتیم متعلق بزمان ساسانیان بود . ولی حدس زده میشد که فن پارچه بافی و قالی بافی از زمان سلاطین هخامنشی نیز در ایران معمول بوده است .

در سال ۱۹۲۵ در دامنه کوهی واقع در فاصله دو کیلومتری جنوب غربی کوه بی‌بی شهر بانو در محل معروف به «نقاره خانه» قطعه هائی از پارچه‌های ابریشمی از صندوقهای چوبی حاوی جسد سردگان که در داخل قبور قرار داشت بدست آمد و اگر چه در میان مردم تهران داستانهای متعدد راجع باین پارچه ها نقل شد، ولی اینطور بنظر میرسد که تا کنون عکسی از آنها در هیچیک از مجلات فارسی زبان درج نشده باشد .

نگارنده اتفاقاً در مقاله‌ای که دانشمند معروف M.Th. Picard-Schmitter در

Ars Asiae مجلد ۱۴ که در سال ۱۹۴۱ بسر پرستی Alfred Salmony در انستیتوی صنایع ظریفه دانشگاه نیویورک بطبع رسانیده بآنها برخورد و چون در ضمن بیان موضوع دیگری چند نمونه عکس از «پارچه‌های مکشوف در کوه بی‌بی شهر بانو» در این مقاله داده شده بود، از آنها برای معرفی این پارچه های زیبا بخوانندگان فارسی زبان استفاده نمودم .

تنها سه قطعه از قطعات پارچه های مکشوف در ری قابل عکسبرداری و طبع است و آقای Liegh Ashton که در ۱۹۲۷ از محل مزبور بازدید نموده میگوید: «اطاق آجری دوازده گوشه ایست که در اطراف آن دخمه های کوچکی ساخته و در این دخمه ها صندوقهای چوبی قرار داده شده بود و پارچه های مورد بحث از این صندوق ها بدست آمده است .»

Ars Islamica Vol. XV-XVI 1951. P. 245. G.wiet-۱

۲ - آقای محمد تقی مصطفوی در گزارش های باستان شناسی جلد سوم، صفحه ۲۶۸

بنای قدیمی نقاره خانه را توصیف کرده اند .

محل مزبور هم اکنون تقریباً بهمان وضعی که آقای آشتن ذکر کرده باقی است و از آن تاریخ تا کنون چندین بار جویندگان گنج در اطراف و داخل آن چاههایی حفر کرده و نقب‌هایی زده‌اند.

صاحبان این قبور یعنی مردگانی که در صندوقهای چوبی خوابانیده شده بودند احتمالاً از سلاطین یا بزرگان سلجوقی میباشند. بعلاوه خطوط کوفی که در روی این پارچه‌ها دیده میشود راجع بتاریخ ساخت این پارچه‌ها شکی باقی نمیگذارد. پس از تعیین تاریخ این پارچه‌ها نقوش روی آن اهمیت فراوان پیدا میکند. موضوع اصلی یکی از این نقوش چنین است:

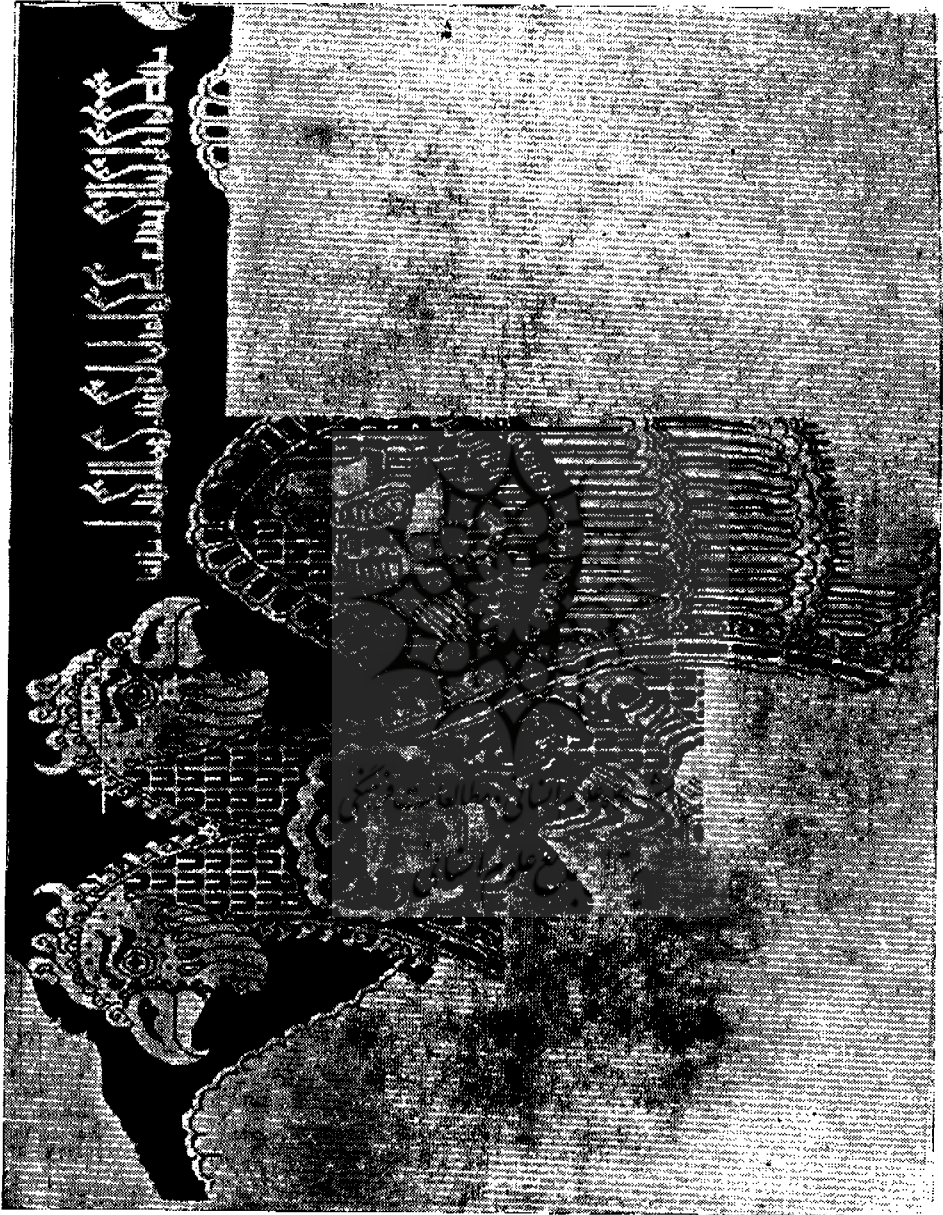
مردی لباس فاخری برتن دارد و دستهایش را از دو طرف به کمر بندگی که قلاب مجللی دارد تکیه داده. موی سرش با جواهری تزیین و مرتب شده. جوراب‌ها و چکمه‌بلندی برپا دارد. پای این صورت روی چیزی قرار نگرفته و مانند این است که در هوا معلق است ولی از زیر بغل او دو نوار عبور میکند و این دو نوار بگردن مرغ دوسر عظیمی متصل میگردد. این مرغ دوسر بالهای خود را گسترده و این شخص را در میان بالها و پاهای خود گرفته است و با آسمان میبرد.

با مطالعه دقیق این نقش شکی باقی نمی‌ماند که موضوع آن صعود انسان با آسمان بوسیله پرنده‌ای عظیم (شاید سیمرغ) است که در داستانهای عهد اسلامی در ایران فراوان دیده میشود و اصل و منشأ آن را در داستانهای حماسی ایران (داستان کیکاوس) و داستانهای سومری مانند داستان گیلگاش یا انکیدو میتوان دید.

آقای Leigh Ashton سبک خط کوفی روی این پارچه را بقرن یازدهم میلادی نسبت میدهد و بطور تحقیق آنرا متعلق بحدود سال ۱۱۰۷ (۴۹۱ هجری) میداند. عکس شماره ۱ که با مهارت فوق‌العاده از این پارچه ابریشمی گرفته شده و در مجله Artibus Asiae مجلد ۱۴ بطبع رسیده نشان میدهد تا چه اندازه صنعت پارچه بافی در ایران در حدود قرن چهارم و پنجم هجری پیشرفت حاصل کرده بوده است. میتوان احتمال داد که این پارچه ابریشمی جزو هدایائی بوده است که دوستان یا خویشاوندان شخص متوفی برای پوشاندن جسد وی اهداء کرده‌اند و این عمل حتی در دوره‌های اخیر نیز با ترمه‌های تقدیمی دوستان متوفی انجام میگرفت.



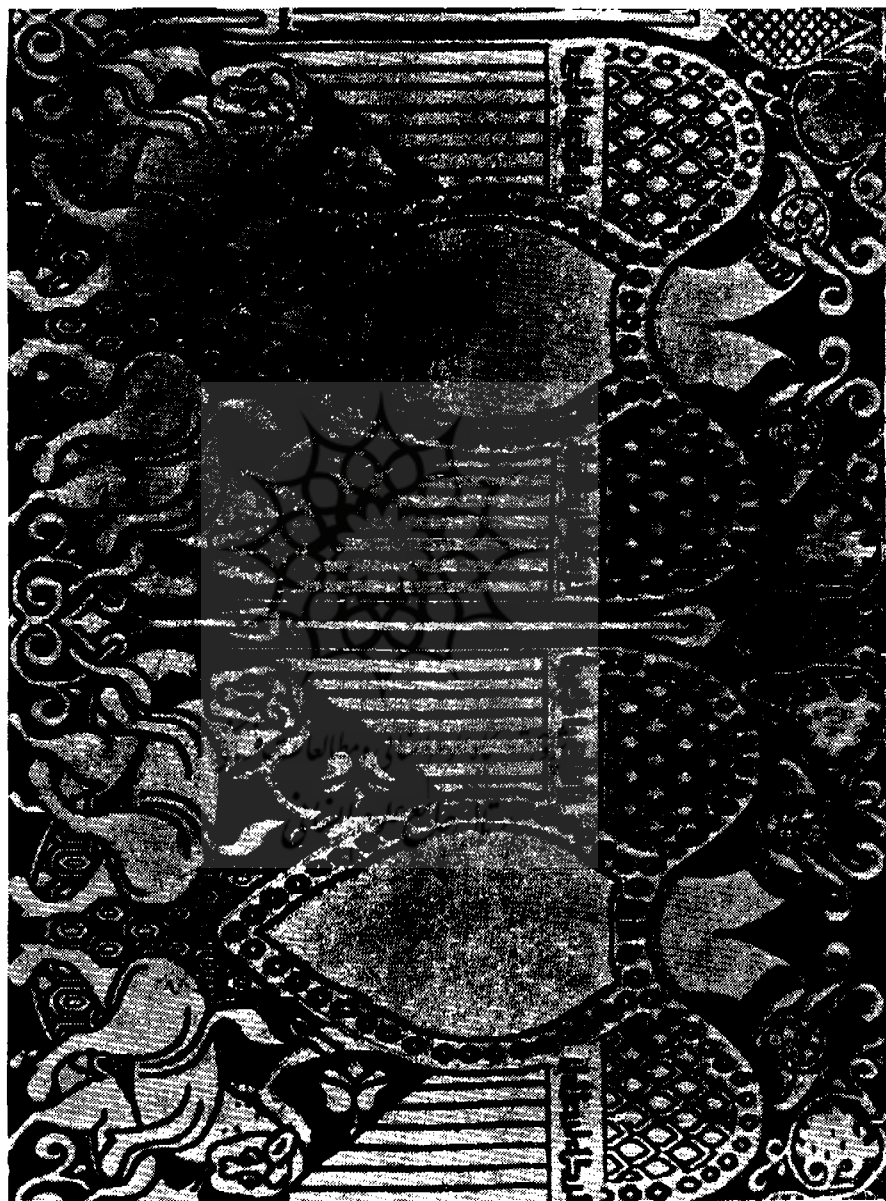
صعود باسمان منحصر بانسان نبوده و در داستانها و نقوش سومرو کلدنه نقش



شکل ۲

پرنده‌ای خیالی که با چنگال خود شیر یا گوزن یا گوسفند را باسمان میبرد زیاد دیده

میشود. این نقش در دوره ساسانیان اهمیت فراوان یافته است و مادر اینجا عکسی از بهترین نمونه‌های اسلامی آنرا که در موزه نساجی شهر لیون (جنوب فرانسه) محفوظ است (شکل ۳)،



نشان می‌دهیم تا خوانندگان بتوانند نقش مرغ دو سر را در آن با نقوش روی ظروف فلزی ساسانی و نقوش روی ظروف گلی لعاب‌دار اسلامی در ایران مقایسه نمایند. بهمین



شکل ۴

طریق شیرو گوزنی که در چنگال این مرغ عجیب گرفتاراند قابل مقایسه با نقوش

سومری و هخامنشی و حتی صفوی میباشند .

این سرخ افسانه ای یاسیمرغ که با حضرت سلیمان ارتباط داشته و داستانهای عجیب از ایام قدیم راجع بان بین مردم متداول بوده، بصورت های مختلف در نقوش اسلامی و پیش از اسلام در ایران دیده میشود. مثلاً عکس شماره ۴ و پارچه ای از عهد ساسانی



شکل ۵

را نشان میدهد که اکنون در موزه واتیکان محفوظ است و نظیر آن در روی بشقاب های نقره عهد ساسانی در موزه ایران باستان و سایر موزه های دنیا دیده میشود. در پارچه دیگری متعلق بعهد ساسانی که در موزه ملی فلورانس محفوظ است (شکل ۵) سیمرغ را

بصورت حیوان خیالی عجیبی که نیمی از آن بشکل پرنده و نیم دیگر بشکل شیر است نشان داده‌اند. در پارچه دیگری که در موزه ویکتوریا و آلبرت محفوظ است (شکل ۶)،



شکل ۶



آزرا با پروبال زیبا و دمی شبیه به دم طاوس تصویر کرده‌اند.



شکل ۷

نقش سیمرغ منحصر بپارچه های عهد ساسانی نیست. در موزه ایران باستان چند ظرف نقره مطلا موجود است که با نقش سیمرغ شبیه به شکل ۶ مزین گردیده

و حتی در روی لباسی که در یکی از نقوش طاق بستان بر تن خسرو ساسانی است و در سنگ تراشیده شده نقش سیمرغ در میان دایره‌های از بر گزیتون دیده می‌شود و این خود میرساند که پارچه‌های منقوش با این گونه نقوش در عهد ساسانیان بسیار معمول بوده است (شکل ۷).



شکل ۸

قطعه پارچه دیگری از همین قبیل درموزه دولتی برلن محفوظ است که سرغ را بصورت دیگری نشان میدهد (شکل ۸)، با این فرق که سرغ از صورت مصنوعی خارج شده و بطبیعت نزدیک گردیده است.

غالب این پارچه های متعلق بعهد ساسانیان در کلیسا های اروپا از ازمئه قدیم محفوظ مانده است. زیرا در آن روزگار غالباً اشیاء متبرکی مربوط بدین مسیح از قبیل قطعه هائی از چوب چلیپای حضرت عیسی یا استخوان مقدسان مسیحی یا قطعه هائی از لباس آنها را از مشرق باروپا میبردند و بصورت اشیاء متبرک در کلیسا قرار میدادند. برای حمل این شیاء متبرک از پارچه های نفیس مشرق زمین که معمولا در ایران ساخته میشد استفاده مینمودند. تدریجاً شهرت پارچه های ایران عالمگیر شد. بطوریکه برای پوشاندن روی قبور سلاطین و بزرگان اروپا نیز از آن استفاده نمودند و باین طریق تعداد قابل توجهی از پارچه های ابریشمی و قالیه های ایران قدیم تا امروز محفوظ مانده است.

در سال ۱۳۲۷ یکی از دانشمندان اتحاد جماهیر شوروی گلیمی از عهد هخامنشی در محل موسوم به پازیریک واقع در یکی از شهرهای جنوبی قسمت مرکزی سیبری کشف نموده و آقای محمد تقی مصطفوی رئیس اداره باستان شناسی با استفاده از مقاله مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۵۳ از مجله اخبار لندن آنرا در شماره اول مجله نقش و نگار از انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور بزبان فارسی معرفی کرده اند.

پیدا شدن این گلیم (شکل ۹) نشان میدهد که در فن بافتن گلیم از عهد هخامنشی تا امروز در ایران تغییر زیادی حاصل نشده است. ضمناً همین شکل بر ما معلوم میدارد نقش شیر که تا کنون در روی نقوش برجسته سنگ و بصورت تزیینات زرین در روی لباس و نقوش آجر پخته لعابدار بسیار دیده بودیم در روی گلیم های عهد هخامنشی نیز راه پیدا کرده بوده است.

بدست آمدن این گلیم از نظر تاریخ هنر قالی بافی در ایران دارای اهمیت زیاد است. زیرا تاریخ صنعت قالی بافی و پارچه بافی را از ایران دوره ساسانی باوایل دوره هخامنشی ارتباط میدهد. علت حمل این گلیم بجنوب سیبری آنست که مردم آن نواحی که در آن زمان صحراگرد بودند با اشیاء تجملی قابل حمل و نقل مانند قالیچه و گلیم های کوچک (که گاهی روی اسبهای خود میانداختند) و جواهر و زینت آلات علاقه



شکل ۹

بسیار داشتند و بهمین دلیل است که روی قسمتهای دیگر این گلیم نقش اسب فراوان است. ضمناً وجود چنین گلیمی در جنوب روسیه این مطلب را میرساند که روابط ایرانیان در اوایل دورهٔ هخامنشی با منشأ و مبدأشان که احتمالاً استپهای جنوب روسیه بوده قطع نگر دیده است.



ژرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی